

مدل نظری آسیب‌شناسی تربیت عفاف و حجاب در ایران

محمدرضا سالاری فر*

مهدی بیاتی**

حسن سالاری پور***

چکیده

درونی‌سازی و ترویج ارزش‌های اسلامی از جمله عفاف و حجاب نیازمند روندی مؤثر و تدریجی است که در ایران، آسیب‌های جدی در این فرایند مشهود بوده است. این مقاله درصدد ارائه مدلی نظری برای بررسی آسیب‌های روش تربیت عفاف در جامعه ایرانی است. پرسش اصلی این است که براساس چه مدل نظری می‌توان آسیب‌های تربیت عفاف در ایران را بررسی کرد؟ این مقاله با روش تحلیل محتوای متون دینی، آثار تربیت اسلامی و تحقیقات حوزه عفاف و حجاب و روش استقرایی به تدوین مدل و سپس با نظرسنجی از متخصصان علوم اسلامی، به سنجش اعتبار این مدل نظری پرداخته است. براساس نتایج تحقیق، متخصصان ضمن تأیید بررسی آسیب‌های تربیت عفاف در پنج حوزه خانواده، محیط‌های آموزشی، رسانه‌ها، نهادهای حکومت و موقعیت‌های مذهبی، تأثیر گویه‌های خانواده و محیط‌های آموزشی، را بالاتر از سایر حوزه‌ها ارزیابی کردند.

واژگان کلیدی: عفاف، حجاب، متون اسلامی، آسیب‌های تربیت، مدل نظری، ایران.

مقدمه

عفاف و حجاب، ارزش مهمی در اسلام و همه ادیان الهی دارد (جاوید، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۱۰۰). هرچند هویت اسلامی زنان با تقید به حجاب مشخص می‌شود، عفاف طیف گسترده‌ای از رفتارهای مختلف از پوشش بدن تا شیوه گفتار، نگاه، حرکات، استفاده از زیورآلات و آرایش، نوع دوخت، جنس، رنگ و تناسب لباس را دربر می‌گیرد.

درونی‌سازی ارزش اسلامی عفاف نیازمند روندی تدریجی است؛ این روند از فضای خانواده آغاز می‌شود، در مدرسه و دانشگاه ادامه می‌یابد و سپس فضاهای اجتماعی، حقوقی و فرهنگی به‌ویژه محیط‌های مذهبی بر آن اثرگذار است. با وجود تلاش‌ها برای تربیت عفاف و حجاب در ایران، آسیب‌های جدی در این فرایند مشهود بوده است (سازمان تبلیغات، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰-۲۴۱). روش‌های کم اثر و حتی آسیب‌رسان در این فضاها در مراحل مختلف تحول، ممکن است تا سال‌ها موفقیت برنامه‌های دیگر را مختل کند. این مقاله به آسیب‌های روش تربیت عفاف می‌پردازد و پرسش اصلی این است که براساس چه مدل نظری می‌توان آسیب‌های تربیت عفاف در ایران را بررسی کرد؟

روش تحقیق

این مقاله در ابتدا با روش تحلیل محتوای متون، آسیب‌های روش تربیت عفاف در متون دینی، آثار تربیتی اسلامی و تحقیقات حوزه عفاف و حجاب را بررسی و سپس با روش استقرایی، مدلی را در این زمینه تدوین کرده است. در مرحله نهایی، با نظرسنجی از متخصصان علوم اسلامی در حوزه‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی اعتبار این مدل نظری بررسی شده است.

یافته‌های تحقیق

براساس بررسی منابع یاد شده، می‌توان آسیب‌های موجود در تربیت حجاب و عفاف در ایران را در مدلی پنج بعدی شامل خانواده، محیط‌های آموزشی، رسانه‌ها، حکومت و قوانین و موقعیت‌های مذهبی ارائه کرد.

۱. خانواده

خانواده اولین موقعیت تربیت ارزش‌های دینی است که تأثیر عمیقی در التزام فرزندان به عفاف دارد. غفلت از تبیین ابعاد عفاف از سوی خانواده برای فرزندان، باعث می‌شود که نتوانند در مقابل فشارهای محیط مقاومت کنند. در این شرایط ضعف عفاف به سادگی روی خواهد داد

(غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵). آسیب‌های تربیتی در خانواده در درونی‌سازی عفاف و حجاب به عوامل زمینه‌ساز، مسائل شخصیتی فرزندان و روش‌های تربیت در خانواده باز می‌گردد.

مهم‌ترین زمینه درونی‌سازی عفاف، تأمین نیازهای زیستی و روانی است و تأمین نشدن آن در خانواده مانع هر اقدام تربیتی است. از این نیازها، حس خودنمایی زنان (زخرف، ۱۸) است که عاملی برای استحکام پیوند خانوادگی است. رابطه دوستانه والدین به‌ویژه پدر با دختر خویش مهم‌ترین ابزار جلوگیری از روابط نامشروع دختر است (نظیفی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱). با تأمین نیازهای عاطفی فرزندان، هویت دینی و رفتارهای اجتماعی مطلوب در آنان شکل می‌گیرد و کمتر خودنمایی نابهنجار بروز می‌کند. بی‌توجهی به حس خودنمایی و نیاز به مونس و برآورده نکردن نیازهای عاطفی دختران در کانون خانواده زمینه کاهش عزت نفس فرزندان و بروز رفتارهای غیرعفیفانه می‌شود.

روابط درونی و بیرونی خانواده گاه زمینه بی‌توجهی فرزندان به چارچوب‌های عفاف می‌شود. عدم رعایت حدود و مرزهای ارتباطی در خانه مانند انجام هرگونه رفتار جنسی در حضور فرزندان باعث رفتار خلاف عفت می‌شود. روایات به تأثیر انجام رفتار جنسی در حضور کودک و حتی نوزاد تصریح کرده است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۵۰۰). عدم رعایت مسائل مربوط به تربیت جنسی مانند پوشش نامناسب والدین در خانه و جدا نکردن بستر خواب فرزندان دختر و پسر، تربیت عفاف را با موانعی مواجه می‌کند. از عوامل ضعف عفاف، فراوانی محرک‌های جنسی در محیط خانه و سایر موقعیت‌هاست که بدپوششی پدر و مادر از این موارد محسوب می‌شود. احتمال بلوغ زودرس و روابط جنسی با محارم در سنین پایین در اثر این اشتباه رفتاری وجود دارد (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵).

بی‌توجهی والدین، خویشان و دوستان خانوادگی به حریم حجاب، به تربیت عفاف آسیب می‌زند. پیامبر ﷺ فرمود: انسان تابع دین همنشین خویش است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۷۶). عدم اهتمام والدین به محدودسازی ارتباط با خویشان و دوستانی که به رعایت حجاب مقید نیستند، سایر برنامه‌های تربیتی آنان را کم اثر می‌کند (نظیفی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸). آسیب دیگر بی‌توجهی یا ناتوانی والدین در مهار استفاده فرزندان از رسانه‌ها و فضاهای مجازی است.

اختلافات و مشکلات اخلاقی والدین، تربیت دینی فرزندان و الگوگیری آنان را دچار مشکل می‌کند. فرزندان با مشاهده اختلاف والدین دچار سردرگمی می‌شوند و با این بهانه رفتار نادرست خود را توجیه می‌کنند (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵). اگر والدین به‌ویژه مادران، اختلافات و بداخلاقی را مهار کنند، تأثیر سفارش فرزندان به دینداری بیشتر می‌شود.

از آسیب‌های تربیتی، لحاظ نکردن مراحل تحول و برنامه‌های مقطعی برای تربیت عفاف است. اگر فرزندان دختر را قبل از تکلیف و حتی در سنین کودکی اول (۳ تا ۶ سالگی) با عذر مکلف نبودن او با پوشش نیمه عربان در منظر دیگران قرار دهیم، از نظر تربیتی به وظیفه تربیت کودک برای

عفاف در این مرحله تحول عمل نکرده‌ایم. در سیره ائمه (علیهم‌السلام)، توصیه به این نکته تربیتی را در مورد دختران خردسال می‌بینیم. یکی از اصحاب امام کاظم (علیه‌السلام) دختر کوچکش را به جمع یاران امام آورد، همه مردان دختر را به نوبت در بغل گرفتند تا به امام رسید. امام او را بین دستان گرفت و بغل نکرد و فرمود وقتی دختر به شش سال رسید جایز نیست مرد نامحرم او را ببوسد و در بغل بگیرد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۶۱).

از آسیب‌های تربیتی عدم توجه به تفاوت‌های جنسیتی در تربیت دینی و برخورد یکسان با هر دو جنس است. نباید برای دختران طرز فکر، نوع زندگی، هدف و ایده‌آلی را که برای پسران در نظر می‌گیریم ترسیم کنیم و از تفاوت‌های روانی مرد و زن و وظایف طبیعی ایشان غفلت ورزیم (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۵۵). با تفکیک آموزش افزون‌بر توجه به هویت دختران و جلوگیری از تشویق غیر مستقیم آنها به ایفای نقش‌ها و رفتارهای مردانه، ظرافت‌های ناظر به عفاف و پوشش زنانه برای دختران تثبیت خواهد شد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲). از آسیب‌های دیگر این بعد، عدم توجه به تفاوت‌های فردی در تربیت و مقایسه‌های نابجاست (کاسمی، ۱۳۸۵، ص ۲۵). والدین باید از تبعیض بین فرزندان دختر و پسر و مقایسه‌های نابجا، دوری کنند.

برخی آسیب‌ها در خانواده به ضعف تلاش در تربیت دینی از جمله عفاف، روش نامناسب و ضعیف، تناقض گفتار و رفتار والدین و نبود تنوع در روش تربیتی باز می‌گردد. امروزه بسیاری از خانواده‌ها نسبت به درونی‌سازی ارزش‌های دینی در فرزندان توجهی ندارند و نقش والدین در پرورش دینی فرزندان، کم‌رنگ شده است. بسیاری والدین به پرورش دینی اهمیت نمی‌دهند و در نتیجه از دروغ‌گویی، بحران هویت و مشکلات اخلاقی فرزند خود در رنجند (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

آسیب دیگر برداشت نادرست از آزادی فرزند و رها کردن تربیت او به خصوص در ابعاد دینی و اخلاقی است. از عواملی که به نظارت و مسئولیت والدین نسبت به فرزندان آسیب می‌زند، اعتقاد نادرست والدین به ضرورت آزادی فرزندان است. بی‌تفاوتی والدین، فرزندان را در معرض انحراف قرار می‌دهد که بدحجابی و ضعف عفاف یکی از آنهاست (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷). نبود انضباط و سهل‌انگاری در برنامه‌های تربیتی، در همه ابعاد مشکل‌زاست. آسیب شایع دیگر این است که والدین یک برنامه تربیتی برای نهادینه کردن ارزش‌های دینی از جمله عفاف در فرزندان ندارند.

استفاده از روش‌های اجبار، اعمال خشونت و تنبیه نامناسب در مسائل دینی از جمله حجاب در برخی خانواده‌های مذهبی، درونی‌سازی عفاف را تضعیف می‌کند. آیات قرآن بر آزادی انسان گواهی می‌دهد و او را موجودی مختار و صاحب قدرت تصمیم‌گیری و عمل، بر مبنای اراده می‌داند (بقره، ۲۵۶؛ ق، ۴۵ و غاشیه، ۲۲). اگر آموزش حجاب، حالت آمرانه داشته باشد و با فرزند همفکری نشود، مسئولیت‌پذیری در وی ایجاد نمی‌شود.

از رویکردهای نادرست والدین این است که تربیت فرزند را به نهادهای دیگر به‌خصوص آموزش و پرورش می‌سپارند و علت مشکل تربیتی را دیگران می‌دانند. برخی خانواده‌ها با ورود فرزندان‌شان به مهد کودک و دبستان می‌پندارند که وظیفه تعلیم و تربیت از دوش آنها برداشته شده و بر عهده نظام آموزشی قرار گرفته است و آنها فقط موظف به تأمین هزینه و پشتیبانی غیر مستقیم از آن هستند. حتی برخی گمان می‌کنند برنامه تربیتی آنان ممکن است با برنامه‌های نظام آموزشی تعارض داشته باشد؛ در حالی که این دو نهاد می‌توانند مکمل فعالیت یکدیگر و برطرف‌کننده خلأهای طرف مقابل باشند (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱).

عامل نبودن والدین به توصیه‌های خود در موضوع عفاف و حجاب آسیب دیگری در روش تربیتی آنهاست. ناهماهنگی در گفتار و کردار، دروغ، خلف وعده، خیانت در امانت و نفاق، بر تربیت فرزندان تأثیر می‌گذارد و زمینه بی‌اعتمادی به والدین، تنفر، دورویی، تردید، جرأت‌پیدا کردن بر گناه و تزلزل در رفتار و باورهای فرزندان را فراهم می‌آورد (قائمی مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱). عمل نکردن به توصیه‌های خود، در قرآن کریم نهی شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا دیگران را به آنچه انجام نمی‌دهید، توصیه می‌کنید؟ این کار نزد خدا یک زشتی بزرگ است که می‌گویید آنچه را عمل نمی‌کنید» (صف، ۲).

تفاوت سطح علمی و اطلاعاتی والدین نسبت به فرزندان و بی‌اطلاعی از مشکلات تربیتی نوظهور از دیگر آسیب‌های تربیتی در خانواده است. با ورود دختران و پسران به سنین نوجوانی، درک انتزاعی آنها تقویت می‌شود و سؤال و تردید در آنان افزایش می‌یابد. برای استفاده مناسب از این فرصت، برخورداری والدین از اطلاعات دقیق نسبت به موضوعات مورد سؤال ضروری است؛ زیرا ذهن فرزند، آمادگی طرح سؤالات متعدد و شبهات گوناگون دارد که پدر و مادر باید از آن آگاهی کافی داشته باشند تا سؤالات نوجوان بدون پاسخ باقی نماند. در غیر این صورت، این احساس برای او پدید می‌آید که اشکالات و شبهات او قابل پاسخگویی نیست.

۲. مراکز آموزشی و تربیتی

اکنون سهم نهادهای آموزشی در تربیت دینی با نقش خانواده هم‌تراز است. آسیب‌های تربیتی مراکز آموزشی در حوزه عفاف در سه بخش، عوامل زمینه‌ای، نقص‌ها در روش‌های موجود و به کارگیری روش آسیب‌زا قرار می‌گیرد.

عامل نبودن به حجاب و لوازم آن در برخی از متولیان آموزشی روند تربیت را با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌سازد و آسیب‌هایی را متوجه مرتبی می‌کند (قائمی مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱). روایات به این آسیب اشاره کرده است: «کسی که خود را امام و رهبر مردم ساخته، باید پیش از آنکه

به تعلیم دیگران پردازد، به تعلیم خویش اقدام نماید، و پیش از آنکه با گفتار تربیت کند، با کردار تربیت نماید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، حکمت ۷۳). پرورش فضائل نیازمند الگوهای اخلاقی نیکوست. از این رو همه دست‌اندرکاران مدرسه باید از ویژگی‌های مطلوب اخلاقی برخوردار باشند (داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۶۲).

عدم لحاظ ویژگی‌های روان‌شناختی زن مانند حس جلوه‌گری از جمله آسیب‌های تربیتی است. حجاب از کشانده شدن میل خودآرایی و ارضای آن در صحنه جامعه پیشگیری می‌کند (اسحاقی، ۱۳۸۷ب). با وجود این مراکز آموزشی زمینه مناسبی برای ارضای این میل فراهم نکرده‌اند. یک آسیب تربیتی در نهادهای آموزشی بی‌توجهی به تفاوت‌های فرهنگی و فردی متریبان است که موجب بی‌میلی متریبان به ارزش حجاب و عفاف می‌شود. متریبان لازم است با استفاده از فنون و روش‌های تربیت در موقعیت‌های متفاوت و با هر فرد با توجه به سطح فکری و روانی او مواجه شوند (کاسمی، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

از آسیب‌ها در آموزش و پرورش، بی‌توجهی به حدود و کیفیت پوشش در موقعیت‌های مختلف آموزشی است. برخی قواعد پوشش در مدارس دخترانه، مورد تردید است. در فضای مدارس غالباً مردی حضور ندارد، با وجود این دانش‌آموزان موظفند با حجاب کامل در کلاس‌ها حضور یابند. این در حالی است که مطابق نظر دین، رعایت حجاب در مقابل سایر زنان مسلمان واجب نیست؛ به خصوص اینکه این الزام خود ساخته، در کلاس‌هایی مثل ورزش، دختران دانش‌آموز را دچار مشکل مضاعف می‌نماید (همان، ص ۱۵۳).

اهتمام به آموزش حکمت حجاب در محیط‌های آموزشی ضعیف است. نوجوانان، جوانان و حتی زنان بزرگسال از این حکمت‌ها، غالباً بی‌اطلاع هستند. مساعدت از متخصصان امر در تبیین فلسفه حجاب اسلامی با زبان و منطق آسان، کارساز خواهد بود (قائمی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۱). یک آسیب تربیتی در بسیاری مراکز کاربردی نکردن آموزه‌ها و اکتفا به بیان کلیات هر موضوع از جمله حجاب است. گاه افراد مبانی، چیستی، چرایی، چگونگی، آداب، آثار، حدود و شبهات حجاب را نمی‌دانند. این در حالی است که حجاب از جهات مختلف مورد هجمه و تشکیک قرار دارد.

از آسیب‌های دیگر، بهره‌برداری نکردن از روش‌های مؤثر و متنوع تربیتی، ضعف تبیین عواقب بدپوششی، بیان عواقب آن به صورت افراطی، پرداختن صرف به عواقب اخروی، انداز نامناسب و بیان نکردن آثار فردی و اجتماعی آن است. آثاری همچون زایل شدن آرامش روانی افراد جامعه، تنزل ارزش و احترام زنان، تقلیل و زوال امنیت زنان، تباه کردن آخرت خویش و سست شدن بنیان خانواده بخشی از تبعات بدحجابی است که شاید بسیاری به آن توجه نکنند (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۸۷).

یک آسیب پنهان در روش‌های تربیتی در بحث عفاف و حجاب، عدم آموزش شبکه مفهومی

عفاف که شامل اموری مانند مدیریت نگاه و رعایت حیا در گفتار و رفتار می‌باشد. عفاف یک حالت درونی و حجاب از اجزای تشکیل‌دهنده آن است. اجزای دیگر عبارتند از: حرف زدن، راه رفتن، نگاه کردن و آرایش کردن. با تأمین این اجزا، به عفاف می‌رسیم. در غالب مراکز آموزشی، تمرکز تربیت عفاف بر ظاهر آن یعنی حجاب است و از سایر اجزای آن کمتر سخن گفته می‌شود. از روش‌هایی که در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام) در تربیت اخلاقی به کار رفته، بحث و گفتگو با مربی درباره موضوعات اخلاقی است. مردی از پیامبر ﷺ پرسید: آیا (هنگام ورود به منزل) باید از مادرم اجازه بگیرم؟ فرمود: آری. مرد گفت: چرا؟ پیامبر فرمود: آیا از اینکه او را برهنه بینی خوشحال می‌شوی؟ گفت: نه؛ فرمود: پس اجازه بگیر (راوندی، بی‌تا، ص ۲۰). در این گفتگو، پیامبر نخست لزوم اجازه گرفتن فرزند هنگام ورود به منزل مادر و سپس دلیل این کار را بیان می‌کند. می‌توان روش کلبرگ را برای ارتقای استدلال اخلاقی دانش‌آموزان و تأثیرگذاری بر نگرش‌های دانش‌آموزان از جمله در موضوع حجاب، به کار برد (داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴).

از دیگر آسیب‌ها، بی‌توجهی به رعایت عفاف در مورد مردان و تأکید افراطی بر زنان است. به خاطر جذابیت جنسی و جسمی بیشتر زن، مردان بیشتر از محرکات بینایی جنس دیگر بهره می‌برند. به همین دلیل مقدار حجاب زن بیش از مرد قرار داده شده است (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴). با وجود این، فقط محدودیت‌ها متوجه زنان می‌شود. این موجب بی‌میلی دختران به حجاب می‌شود و گاه آنها را دچار بحران هویت می‌کند که ای کاش دختر نبودند تا این‌قدر محدودیت در مورد آنها اعمال نمی‌شد.

به دلیل فضای انضباطی محیط‌های آموزشی می‌توان گفت که شایع‌ترین آسیب در روش‌های تربیتی، استفاده از اجبار و خشونت است. سخت‌گیری و تعصب بی‌جا در حجاب افراد را از سر لجبازی، تشویق به مخالفت می‌کند. اگر به خاطر فشارهای شدید و همه‌جانبه، فرد تا مدت‌ها نتواند از چارچوب‌ها تخطی کند، هنگامی که به استقلال و آزادی مورد نظر خود رسید، با رفتاری واکنشی، به جبران گذشته خواهد پرداخت. پژوهش‌ها تأثیر روش اجبار را کم و نامناسب اعلام کرده‌اند (قلی‌پور، ۱۳۸۶، ص ۱۳-۲۳).

۳. رسانه

از عوامل بسیار مهم در ارتقای فرهنگی دینی جامعه، از جمله پابندی به حجاب و حیای عمومی، رسانه‌های جمعی مانند سینما، رادیو و تلویزیون است. از این میان، رادیو و تلویزیون و سینما به جهت استفاده کمی و کیفی بیشتر مردم از آن، تأثیر عمیق و گسترده‌ای دارد (اسحاقی، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۴). رسانه ملی می‌تواند در ارتقای جایگاه زن در جامعه اسلامی و نهادینه‌سازی فرهنگ عفاف و

حجاب بسیار مؤثر باشد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). به همین جهت، آسیب‌شناسی سیاست‌های رسانه ملی در خصوص حجاب در فرهنگ‌سازی برای عفاف و پوشش اسلامی، لازم است. نقاط ضعف رسانه ملی در انتقال فرهنگ عفاف و پوشش شرعی به مخاطبان را در سه بخش نبود برنامه منسجم، مشکلات روش‌های معمول و ارائه برنامه‌های آسیب‌رسان می‌توان برشمرد. فقدان راهبرد منسجم علمی و بلندمدت برای ترویج عفاف و حجاب در رسانه محسوس است و برنامه منظمی برای ترویج این ارزش مهم اسلامی در رسانه مشهود نیست. برنامه‌های علمی مانند جلسات آموزشی، مصاحبه با متخصصان، بیان فواید و آثار و عواقب بی‌توجهی به عفاف، مناظره علمی و پاسخ به شبهات، کمتر در رسانه دیده می‌شود. بررسی طرح‌ها در این زمینه، نشان می‌دهد بسیاری از آنها در تقویت حجاب و گسترش فرهنگ عفاف در جامعه مؤثر نبوده‌اند (افشار، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲).

بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی (شرایط ژنتیک، محیط تربیت و مراحل تحول) و فرهنگی (قومیت‌ها، تبادل با فرهنگ دیگر، وجود ارتباطات بیشتر با رسانه‌های خارجی) در آموزش عفاف و حجاب از آسیب‌های مهم در رسانه است. در ترویج فرهنگ عفاف باید برای هر مقطع سنی و متناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی آن، برنامه‌ای ویژه تهیه شود تا اثرگذاری شایسته‌ای در پی داشته باشد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

حرکت‌های دفعی و مناسبی از آسیب‌های تربیتی است که در برنامه‌های ناظر به مشکل بدحجابی، به چشم می‌خورد. عفاف و پوشش به‌عنوان یک موضوع فرهنگی با رفتارهای مقطعی و احساسی نه تنها بهبود نمی‌یابد؛ بلکه به شائبه سیاسی بودن موضوع حجاب دامن می‌زند (همان، ص ۲۴۴). نگاه جدا از سایر آموزه‌های اسلامی به حجاب، دیگر آسیب در روش تربیتی رسانه است. متعلق امر به معروف و نهی از منکر و دایره آن گسترده است؛ ولی در عمل، بر امر و نهی در حوزه پوشش اصرار می‌شود. این نگاه تک‌بعدی باعث ایجاد سؤالات بی‌پاسخ و بدبینی و بی‌رغبتی می‌شود؛ به خصوص آنکه ارتکاب بعضی منکرهای بزرگ و فراگیر مثل فسادهای کلان اقتصادی چندان مورد توجه آمران و ناهیان قرار نمی‌گیرد (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹).

تأکید بر ظواهر و خلاصه کردن عفاف در حجاب از نقایص تربیتی در عملکرد رسانه در ترویج عفاف است. در برخی فیلم‌ها و سریال‌ها که پوشش رعایت شده است، نگاه‌های معنادار و عاشقانه، گفتگوهای به شدت محرک، روابط پنهانی پیش از ازدواج، اختلاط و ارتباط غیر ضروری و بی‌جهت با نامحرمان و آرایش‌های غلیظ، حجاب‌ظاهری را به پوسته خالی از محتوا تبدیل می‌کند و برای بیننده این حس به وجود می‌آید که رعایت حد پوشش کافی است و بقیه حوزه‌ها اهمیتی ندارد (افشار، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰).

آسیب روشی دیگر بی‌توجهی به عفاف در مردان و تأکید افراطی بر زنان است. از نکات برجسته رسانه تمرکز عفاف بر پوشش دختران است. این در حالی است که موضوعاتی همچون استفاده از لباس شهرت، لباس و آرایش مخصوص جنس دیگر، مفسده انگیزی با پوشش و جلب توجه نامحرم در مردان نیز روی می‌دهد. مردان از آخرین مدهای غربی، رنگ‌های تند، لباس‌های کوتاه و مانند آن استفاده می‌کنند. در این شرایط دختران برای اینکه بتوانند در ردیف پسرها بمانند، ناچارند تغییراتی را در خود ایجاد کنند. چون انعطاف آن از حد محدودی فراتر نمی‌رود، به دنبال راهکارهای جایگزین می‌گردند و اولین چیزی که به ذهن آنها می‌رسد، استفاده از جذابیت‌های خویش است که بدحجابی در رأس آن قرار می‌گیرد (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵).

پخش برنامه‌ها و سریال‌ها، گاه فرهنگ اختلاط را در روابط زن و مرد نامحرم ترویج می‌کند و از عوامل تضعیف عفاف و رعایت چارچوب‌های شرعی در پوشش و آرایش بانوان در جامعه بوده است (افشار، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹). گاه با استفاده از اینکه رنگ سیاه، رنگ ناامیدی و دل‌مردگی است، گریز از پوشش شرعی ترویج می‌شود. در برخی فیلم‌ها و سریال‌ها، زنان با وضعیتی دور از آداب اسلامی ظاهر می‌شوند. در این شرایط زنان و دختران به الگوگیری از این فیلم‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و مدهای زننده و بدحجابی می‌گریند. برخی ناهنجاری‌ها مانند بدحجابی، مدگرایی، بی‌هویتی و آرایش افراطی و رفتارهای ناهنجار دختران جوان، متأثر از چنین برنامه‌هایی است.

آسیب شایع این است که متولیان برنامه‌ها و هنرمندان، به جهت برخی الزام‌های سازمانی در ظاهر چارچوب‌های شرعی را رعایت می‌کنند و در خارج سازمان و زندگی فردی و اجتماعی خود التزام به این حدود و چارچوب‌ها ندارند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۴۸). تناقض پوشش بازیگران و مجریان با وضعیت حضور در مجامع عمومی و خارج از رسانه ملی، معضلی جدی محسوب می‌شود. تصاویر بازیگران در رسانه‌ها، نشان از صوری بودن رعایت حجاب در مجموعه‌های نمایشی دارد. این موضوع آثار ناخوشایندی بر جامعه به‌ویژه نسل جوان می‌گذارد. برای گسترش عفاف و پوشش اسلامی لازم است، این ارزش در هنرمندان و تهیه‌کنندگان درونی باشد تا بتوان آن را به جامعه تسری داد (شریک، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱ در جاوید).

آسیبی پنهان در رسانه، نمایش زنان در نقش نابهنجار اخلاقی با حجاب اسلامی است. در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی ناگزیر برخی زنان در نقش‌های منفی مانند قاتل، فاسد اخلاقی یا سایر بزهکاری‌ها بازی می‌کنند. تهیه‌کنندگان با توجه به قوانین سیمای جمهوری اسلامی سعی دارند حتی این‌گونه زنان را با حجاب کامل شرعی نشان دهند. در این شرایط حجاب اسلامی با مجموعه‌ای از ردائل اخلاقی در فرد همراه می‌شود. در برداشت مخاطب نه تنها حجاب این زن

بی‌ارزش تلقی می‌شود، بلکه به‌طور ناهوشیار اصل ارزش حجاب مخدوش و تضعیف می‌شود. صرف نظر از اینکه چه راهی برای رفع این تناقض می‌توان پیشنهاد کرد، آسیب تربیتی آن بر تضعیف عفاف نیازمند بررسی بیشتر است.

یک آسیب جدی، تحقیر حجاب برتر (چادر) در فیلم و سریال‌ها، طی سال‌های متمادی است. در برخی سریال‌ها خبری از چادر نیست و اگر هم باشد، مخصوص اقشار خاصی است. در برخی دیگر، گاه زنان تا زمانی که در خانواده فقیر و بی‌سواد زندگی می‌کنند چادری هستند و هنگامی که به ثروت و علم می‌رسند حجابشان ضعیف می‌شود. براساس ارزیابی به عمل آمده در سریال‌های تلویزیونی از ابتدای سال ۸۰ تا پایان ۸۳، در ۵۶ سریال، پوشش چادر تحقیر یا تضعیف شده است (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۹).

۴. آسیب‌های تربیتی در حوزه سیاست و حکومت

از جمله عوامل مهم گسترش و شیوع بدحجابی در جامعه، کم‌توجهی برخی از مسئولان نظام به این امر است. آسیب‌های تربیتی در زمینه عفاف و حجاب در عملکردهای سیاستی و حکومتی در سه بعد نبود برنامه و ضعف قوانین، مشکلات در اجرا و اقدامات آسیب‌زا بیان می‌شود.

به نظر می‌رسد نظام جمهوری اسلامی با وجود قوانینی در حوزه حجاب و عفاف، برای فرهنگ‌سازی این ارزش برنامه بلندمدت ندارد. اختلافات نظری و عملی در حدود عفاف و حجاب و شیوه ترویج آن در دولت‌های پس از انقلاب مشهود است. وجود دیدگاه‌های متفاوت، برخوردهای مقطعی و ناهماهنگ، برخی فعالیت‌ها را کم اثر کرده است. اقدام انتظامی موجب دلزدگی مردم و بی‌توجهی به ارزش‌ها شده است (طیب‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۲۸). این در حالی است که ۹۵/۱ درصد مسئولان قضایی، ۹۲/۵ درصد روحانیون، ۸۷/۱ درصد فرماندهان انتظامی و ۷۶/۵ درصد دانشجویان معتقدند ناجا باید از روش‌های ارشادی و آگاهی‌دهنده استفاده کند (محبوبی منش، ۱۳۸۶). بروز نبودن مقررات و عدم تناسب بین جرم و مجازات در برخورد با بدحجابی به آسیب در ترویج این ارزش می‌انجامد. اگر روش‌های برخورد با بدحجابی جنبه بازدارندگی نداشته باشد، کارایی لازم را نخواهد داشت.

عدم تعیین متولیان اصلی و تابع در اجرای قوانین و ترویج ارزش عفاف و حجاب به آسیب‌های جدی منجر شده است. نهادهای دولتی متناسب با سلیقه، توان و براساس دستورالعمل‌های مکتوب و نامکتوب خود، در زمینه عفاف عمل کرده‌اند (طیب‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۳۰). گاه فعالیت این نهادها با هم تعارض دارد و تلاش هم را بی‌اثر می‌کنند یا عملکرد نهادها غیر مرتبط با یکدیگر است. گاه چند نهاد اقدام به یک فعالیت کنند که این سبب تکرار و

دلزدگی می‌شود یا فعالیت نهادها در رقابت با یکدیگر شکل می‌گیرد و هر نهاد خود را عامل بهترین عملکرد در این حوزه می‌داند (پورفرد، ۱۳۸۷، ص ۳۸۳).

بی‌توجهی نهادهای جامعه اسلامی به قوانین مربوط به بحث عفاف باعث گسترش بدحجابی در جامعه شده است. نمونه‌هایی از ضعف دستگاه‌ها در عمل به قوانین را می‌توان در گزینش تصمیمات مقطعی و نامناسب، به‌ویژه در شرایط بحرانی، اختصاص ندادن زمان و نیروی انسانی و اعتبار مناسب برای آسیب‌شناسی، انجام عملیات ناپخته و استفاده از عوامل اجرایی کار نا آشنا یافت که هر کدام آسیب‌هایی را در این مسیر به همراه داشته است (افشار، ۱۳۹۳، ص ۷۲).

هماهنگی بین قوه قضائیه و وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش و حوزه‌های علمیه مؤثر در تثبیت ارزش‌های اسلامی در جامعه ضعیف بوده و در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب خلل ایجاد کرده است (سیدی تبار، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۳۵).

عدم لحاظ حدود و کیفیت پوشش در شرایط و موقعیت‌های مختلف اجتماعی در برنامه‌های ترویج حجاب آسیب‌تربیتی دیگر است. در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، به تنوع کارها، شرایط و مقتضیات و خصوصیات محیط زندگی و سنت‌ها و آداب محلی و منطقه‌ای مربوط به لباس زنان، توجه لازم نشده است. مناسب نیست با پذیرش حجاب برتر به‌عنوان کامل‌ترین نوع حجاب، از سایر پوشش‌های متناسب جلوگیری شود؛ زیرا شرایط برخی از مراکز شغلی به‌گونه‌ای است که استفاده از حجاب برتر برای آنها دشوار است (محتشمی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۶۷). در بعد قانون‌گذاری باید به این مسائل توجه کرد و قوانین متناسب با شرایط و موقعیت‌های مختلف زنان، برای آنها وضع کرد. در غیر این صورت، موجبات دلزدگی و بی‌میلی زنان به حجاب فراهم خواهد شد.

عملکرد بی‌ثبات مسئولان اجرای برنامه‌های حجاب به آسیب جدی در ترویج آن انجامیده است. عدم تبیین مبانی نظام اسلامی و ارزش‌های آن مثل حجاب و عفاف باعث بی‌تفاوتی عده‌ای و رویگردانی گروهی دیگر از این مبانی شده است.

در کنار این عوامل، استفاده از افراد غیر متخصص در تبیین چیستی و چرایی حجاب و عفاف زمینه سرخوردگی گروهی را فراهم کرده است. دشواری ازدواج، عدم توجه به نیازهای طبیعی جوانان مثل میل به نشاط و هیجان و کمبود امکانات برای تفریحات سالم و مهیج، جوانان را به رفتارهای خلاف عفاف کشانده و زمینه انحراف محافل آنان را فراهم کرده است.

برخی امور نیز به صورت غیر مستقیم بر تضعیف حجاب و عفاف اثر گذاشته است. عواملی چون فقر اقتصادی، بروز فاصله و حس بی‌اعتمادی میان مردم و مسئولان نظام، برخورد غیر شفاف با مردم، زمینه تضعیف ارزش‌های دینی از جمله عفاف شده است (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸-۱۶۹). از مشکلات فرهنگی، حرکت‌های مناسبی و فقدان نگاه سیستمی در ارزش‌ها از جمله عفاف است.

تصمیم‌گیری‌های مقطعی که تحت فشار افکار عمومی در برهه‌های خاص اتخاذ شده، بیشتر بر عمق مشکل افزوده است. نمونه‌ای از برخوردها در حوزه حجاب و عفاف در ابتدا و اواسط دهه هفتاد به خصوص در تهران اتفاق افتاد که سبب بدبینی عده زیادی به این ارزش شد. مخالفت با یک سبک پوشش بدون زمینه‌سازی به لجبازی و اصرار بر پوشش سابق و تشدید بدحجابی می‌انجامد. یک‌سونگری در مسئله حجاب و بسنده کردن به برخوردهای فیزیکی و تکیه بر برنامه‌های سطحی تأثیر کمی در گسترش حجاب و عفاف داشته است. مطلق‌نگری در حجاب آسیب دیگر در اجرای برنامه‌های ترویج حجاب است. مثلاً در برخی برخوردهای قانونی کمترین بدحجابی، معادل بی‌حجابی گرفته شد. بدحجابی از جرایم تعزیری است و تعیین مجازات آن بر عهده حاکم است، حاکم می‌تواند مجازات این جرم را از یک موعظه ساده و توبیخ تا تازیانه و جزای نقدی و حبس تعیین و از انعطاف مقرر در انواع تعزیرات استفاده کند. با توجه به متفاوت بودن رفتار بدحجابی چه از جهت فاعل، غافل و نا آگاه یا عالم و مغرض، و چه از جهت میزان نوع، بدحجابی ساده تا پوشش‌های بسیار نامناسب و آرایش‌های غلیظ، ضرورت دارد که مجازات‌ها از ساده تا شدید را دربر گیرد تا قاضی بتواند مجازات را با جرم و مجرم تطبیق دهد. در راستای برخورد با بدحجابی اگر مجازات، جنبه بازدارندگی نداشته باشد یا افراط یا تفریط در آن باشد، کارایی نخواهد داشت (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸، ۱۶۸، ۱۷۹ و ۲۳۷).

از آسیب‌ها، تأکید بیش از حد بر ظواهر و عدم لحاظ ابعاد درونی عفاف و تمرکز بر یک بعد و غفلت از سایر جهات است. تأکید صرف برنامه‌ها بر پوشش بدون توجه به رابطه آن با عفاف و حیا، حل مشکل را ناموفق کرد. جامعیت دستورات سوره نور در این موضوع قابل توجه است که در کنار تبیین آیات مربوط به حجاب، نهی از ورود به خانه غیر جز با اجازه و اعلام، لزوم عفاف چشم، لزوم پوشانیدن زینت برای زن و بیان استثنائات آن، حد زنا و سخت‌گیری بر زناکاران، بیان شده است. اگر هدف‌گذاری برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به حجاب بدون عفاف منعطف شود، نتیجه آن پوشش بی‌خاصیتی است که گاهی خود عامل تحریک بیشتر می‌شود.

آسیب دیگر عامل نبودن برخی از مجریان قانون و خانواده‌هایشان به حجاب است. از نکات برنامه‌های ناظر به مشکل بدحجابی، شروع اصلاح از خود حاکمیت است. بی‌اعتنایی مدیران نظام به مسائل اسلامی و بروز مفاسد اخلاقی و ابتدال در پوشش و آرایش در مدارس، دانشگاه‌ها و جامعه و رفاه‌زدگی گروهی از مسئولان و رفتارهای نادرست برخی از فرزندان آنان، سبب تغییر ارزش‌های جامعه به سوی مصرف‌گرایی، مدگرایی و در نتیجه بدحجابی گردیده است (سیدی تبار، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۳۶).

یک آسیب شایع در نظام جمهوری اسلامی سیاسی کردن حجاب است. برخی از مسئولان نظام،

تنها بر حفظ ظاهری حجاب تأکید کرده‌اند و فلسفه حجاب را به جامعه، معرفی نکرده‌اند. دختران امروز، سال‌های نوجوانی و جوانی خویش را در شرایطی سپری می‌کنند که حجاب امری حکومتی و اجباری تلقی می‌شود و رعایت نکردن آن نه در امنیت خود زنان، بلکه منافع حاکمیت، تهدیدی جدی قلمداد می‌شود (همان، ص ۳۵۲).

از دیگرسو، با کم‌توجهی مردم به پدیده امر به معروف و نهی از منکر، بدحجابی گسترده‌تر و همین امر باعث برخوردهای بد با زنان بدحجاب شده است. این برخوردها در عمل حجاب را در برداشت افراد به امری حکومتی تبدیل کرده است. نتیجه این ذهنیت آن شد که حجاب جزء منافع حاکمیت است و به همین دلیل از آن مراقبت می‌کند، لذا مخالفت با حجاب مساوی است با مخالفت با حکومت. از همین جا عده‌ای از زنان که باورهایشان با مبانی اسلامی تعارض داشت، برای بیان اعتراض خویش به حاکمیت به بدحجابی روی آوردند و حجاب وسیله‌ای برای گروکشی و تعارض قشری از زنان با حاکمیت شد (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

رفتار آسیب‌رسان دیگر، دخالت‌های نامناسب قانونی و ورود حکومت به امور جزئی است. در موضوع حجاب و عفاف، فارغ از آنکه کدام نهاد در مورد آن وظیفه و مسئولیت دارد، سؤال جدی این است که برنامه کوتاه، میان و بلندمدت برای این موضوع چیست و با چه سازوکاری قرار است این برنامه محقق و اجرایی شود؟ بررسی فعالیت نهادهای فرهنگی نشان می‌دهد که برنامه‌ای مشخص در ترویج عفاف وجود ندارد و همین امر باعث شد که هرچند وقت یک بار، فضا به سمت نگرانی در مورد حجاب برود و بعد از مدتی این موضوع به فراموشی سپرده شود تا مناسبتی دیگر مثل تابستان و هوای گرم که دوباره پوشش نامناسب برخی، توجه نهادها را برای چاره‌اندیشی جلب کند (همان، ۱۵۸). بی‌تردید جزئی‌نگری و غفلت از اصول و تفکیک لایه‌های زیرین و سطحی، نتیجه مطلوب به بار نخواهد آورد.

۵. موقعیت‌های مذهبی

از زمینه‌های ترویج حجاب و عفاف، موقعیت‌های دینی مانند مسجد، حسینیه، مقبره اولیای دین و مجالس مذهبی است. در ارائه ارزش‌ها به مردم و تبلیغ آنها در موقعیت‌های دینی ضعف‌ها و آسیب‌هایی دیده می‌شود. بخشی از آسیب‌ها به نبود و ضعف برنامه‌های ترویج عفاف باز می‌گردد. از آسیب‌های مهم فراهم نکردن شرایط آموزش و اقناع اندیشه در فرصت‌های موجود است. در بین برنامه‌های دینی، آموزه‌هایی در مورد حجاب و عفاف ارائه می‌شود؛ ولی این برنامه‌ها کمتر به‌طور مجزا به این ارزش می‌پردازند. برگزاری جلسات ویژه زنان و سعی برای اقناع اندیشه نوجوانان و جوانان کمتر روی می‌دهد.

در روش‌های موجود آسیب‌هایی دیده می‌شود: تأکید زیاد بر ظواهر و کم‌کاری در زمینه ابعاد درونی عفاف و عجله برای رساندن مخاطب به هدف، انذار نامناسب متولیان موقعیت‌های دینی، استفاده از روایات در زمینه عذاب‌های اخروی بدحجابی بدون تبیین مناسب آن و توجه به تفاوت‌های فردی و فرهنگی و قومیتی، برخورد نامناسب با دختران نوجوان و جوان، رفتارهای شتاب‌زده، غیر قانونی، بی‌ضابطه و نابخردانه به بهانه احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر و رفتارهای مندرج در آن همچون توهین، مطلق‌نگری در حجاب و تلقی کمترین بدحجابی معادل بی‌حجابی و به کار بردن برچسب‌ها و تعبیرهای نامناسب، تفریط در آموزه‌های دینی و عدم انجام درست، افراط در برخورد با این آموزه‌ها، تحمیل نظرات شخصی و برداشت‌های تنگ‌نظرانه خویش به دیگران به اسم دین و سخت‌گیری‌ها و تعصب‌ها (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۱).

دیدگاه کارشناسان درباره مدل نظری آسیب‌های تربیت عفاف در ایران

برای جمع‌آوری نظرات کارشناسان در مورد آسیب‌های روش تربیت عفاف در ایران، پرسشنامه‌ای براساس پنج محور بالا تدوین و نظر ۲۲ نفر از متخصصان علوم اسلامی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی دریافت شد.

نمره هر پرسش از بسیار کم (۱) تا بسیار زیاد (۵) بود که نظر متخصصان را در مورد تأثیر هر آسیب تربیتی در کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال نشان می‌داد. جدول‌های زیر، میانگین نظرات این متخصصان را در پنج محور خانواده، محیط‌های آموزشی، رسانه، سیاست و حکومت‌داری و مراسم و اماکن مذهبی در هر گویه نشان می‌دهد.

جدول ۱: نظرات متخصصان در آسیب‌های تربیت عفاف در محیط خانواده

ردیف	گویه	میانگین کودک	میانگین نوجوان	میانگین جوان	میانگین بزرگسال	میانگین کل
۱	استفاده از اجبار و خشونت و برخورد نامناسب والدین در توصیه به مسائل دینی و تکالیف شرعی از جمله حجاب	۳٫۰۵	۳٫۶۷	۳٫۳۸	۲٫۵۲	۳٫۱۵
۲	نداشتن مدل تربیتی والدین برای نهادینه کردن حجاب در فرزندان	۳٫۳۸	۳٫۷۱	۳٫۰۴	۲٫۳۳	۳٫۱۲
۳	عدم تعیین فرایند و مراحل جهت ایجاد گرایش به حجاب، متناسب با مراحل رشد فرزندان	۲٫۸۰	۲٫۹۵	۲٫۳۳	۱٫۷۱	۲٫۴۵
۴	عدم شناخت و بهره‌برداری از تنوع روشی برای نهادینه کردن حجاب	۳٫۲۳	۳٫۵۲	۳٫۲۸	۲٫۴۷	۳٫۶۳
۵	عامل نبودن والدین و بزرگترها به توصیه‌های خود به فرزندان در موضوع حجاب	۳٫۲۸	۳٫۵۲	۳٫۱۹	۲٫۵۲	۳٫۳۸

ردیف	گویه	میانگین کودک	میانگین نوجوان	میانگین جوان	میانگین بزرگسال	میانگین کل
۶	عدم لحاظ ویژگی‌های روان‌شناختی دختران و عدم بسترسازی جهت تأمین نیازهای روانی او مانند حس خود نمایی و نیاز به مونس و همدم	۲٫۵۲	۳٫۵۷	۳٫۵۷	۳٫۵۷	۳٫۳۱
۷	عدم تلاش برای آگاهی‌بخشی نسبت به عواقب بدپوششی	۱٫۷۱	۲٫۸۰	۳٫۰۴	۲٫۲۳	۲٫۴۵
۸	عدم اولویت تربیت عقیفانه در بین ابعاد تربیتی فرزند	۲٫۷۶	۳٫۱۹	۲٫۷۶	۲٫۱۴	۲٫۷۱
۹	عدم اهتمام والدین به محدودسازی ارتباط با خویشان و دوستانی که به رعایت حجاب مقید نیستند	۳٫۳۳	۳٫۶۷	۳٫۰۹	۲٫۰۴	۳٫۰۳
۱۰	سپردن بخشی یا تمام تربیت فرزند به نهادهای دیگر مانند آموزش و پرورش، رسانه و...	۲٫۹۲	۳٫۲۴	۲٫۷۱	۱٫۷۱	۲٫۶۵
۱۱	عدم توجه والدین به اثرگذاری اختلافات خانوادگی و مشکلات اخلاقی والدین بر تربیت دینی فرزندان از جمله حجاب	۳٫۰۵	۳٫۴۰	۳٫۰۹	۳٫۰۹	۳٫۱۶
۱۲	عدم رعایت مسائل مربوط به تربیت جنسی در فرزند مانند پوشش نامناسب والدین در خانه و جدا نکردن بستر خواب	۳٫۱۹	۳٫۶۴	۳٫۱۲	۱٫۹۰	۲٫۹۶
۱۳	عدم توجه به تفاوت‌هایی جنسیتی در تربیت دینی و برخورد یکسان تربیتی با هر دو جنس	۲٫۸۸	۳٫۱۷	۲٫۵۷	۱٫۶۷	۲٫۵۷
۱۴	برداشت نادرست از آزادی فرزند و رها کردن تربیت او	۳٫۴۳	۳٫۸۶	۳٫۱۴	۲٫۰۰	۲٫۶۱
۱۵	تحمیل پوشش نامناسب به فرزندان در دوران کودکی	۳٫۲۱	۳٫۸۷	۳٫۳۸	۲٫۰۵	۳٫۱۱
۱۶	نظارت ضعیف بر زمینه‌های اطلاعاتی فساد اخلاقی مانند تلفن همراه هوشمند و اینترنت و تبلت	۳٫۲۱	۳٫۸۷	۳٫۳۸	۲٫۰۵	۳٫۱۱
۱۷	ضعف اطلاعات والدین نسبت به فرزندان به‌ویژه در مشکلات جدید	۲٫۴۵	۳٫۰۷	۳٫۱۷	۲٫۱۴	۲٫۷۱
۱۸	سفارش والدین به حجاب، صرفاً در موقعیت‌های اجتماعی مذهبی که بستر رشد ظاهرسازی را در فرزندان فراهم می‌آورد	۲٫۳۱	۲٫۷۸	۲٫۷۱	۱٫۷۶	۲٫۳۹
۱۹	عدم تربیت صحیح فرزندان بزرگ‌تر و در نتیجه تأثیر الگویی منفی آنها در سایر فرزندان	۳٫۳۶	۳٫۳۶	۲٫۵۹	۱٫۶۷	۲٫۷۴
۲۰	عدم توجه به تفاوت‌های فردی در تربیت و مقایسه‌های نابجا	۲٫۴۳	۲٫۵۲	۲٫۱۹	۱٫۲۴	۲٫۰۹

جدول ۲: نظرات متخصصان در آسیب‌های ترویج حجاب و عفاف در مراکز آموزشی

ردیف	گویه	میانگین کودک	میانگین نوجوان	میانگین جوان	میانگین بزرگسال	میانگین کل
۱	استفاده از اجبار و خشونت در محیط‌های آموزشی	۲٫۴۳	۳٫۲۴	۳٫۴۸	۲٫۵۵	۲٫۸۸
۲	بی‌توجهی به ویژگی‌های دختران در مراحل تحول روانی	۲٫۵۵	۳٫۳۶	۳٫۰۵	۱٫۶۹	۲٫۶۶۸
۳	انذار نامناسب از سوی مربیان	۲٫۳۶	۳٫۴۱	۳٫۳۳	۲٫۰۲	۳٫۰۱
۴	عدم لحاظ حدود و کیفیت پوشش در شرایط و موقعیت‌های مختلف آموزشی	۲٫۳۱	۲٫۹۳	۲٫۷۶	۱٫۸۳	۲٫۴۶
۵	عدم اهتمام به آموزش فلسفه و حکمت حجاب	۲٫۶۴	۳٫۶۴	۳٫۸۸	۳٫۳۱	۳٫۳۷
۶	عدم اقتناع‌سازی دانش‌پژوهان برای پذیرش قواعد عفاف و حجاب در محیط آموزشی	۲٫۱۷	۳٫۲۱	۳٫۳۶	۲٫۲۶	۲٫۷۵
۷	ضعف تبیین عواقب بدپوششی در محتواهای آموزشی	۱٫۷۸	۳٫۰۷	۳٫۳۸	۲٫۶۲	۲٫۷۱
۸	عدم آگاهی از شبکه مفهومی عفاف (مدیریت نگاه و رعایت حیا در گفتار و رفتار)	۱٫۹۳	۲٫۹۳	۳٫۱۴	۳٫۰۰	۲٫۷۵

ردیف	گویه	میانگین کودک	میانگین نوجوان	میانگین جوان	میانگین بزرگسال	میانگین کل
۹	حرکت‌های دفعی و مقطعی به جای تدریجی و پیوستگی اقدامات تربیتی	۲٫۵۷	۳٫۳۸	۳٫۲۶	۲٫۸۰	۳٫۰۰
۱۰	عامل نبودن برخی متولیان آموزشی به حجاب و لوازم آن	۳٫۵۰	۳٫۴۵	۳٫۳۳	۲٫۴۲	۳٫۱۸
۱۱	بی‌توجهی به مراحل تغییر رفتار در شیوه آموزش حجاب	۲٫۳۱	۳٫۰۷	۳٫۱۴	۲٫۴۳	۲٫۷۴
۱۲	عدم لحاظ ویژگی‌های روان‌شناختی زن مانند جلوه‌گری	۲٫۶۹	۳٫۴۳	۳٫۵۷	۲٫۷۶	۳٫۱۱
۱۳	مطلق‌نگری در برخورد با بدحجابی و اجرای تنبیه یکسان برای همه مراتب بدحجابی	۱٫۶۴	۲٫۴۰	۲٫۶۹	۲٫۴۵	۲٫۳۰
۱۴	نگاه مجزا و سلیقه‌ای به حجاب نسبت به بقیه موضوعات دینی	۱٫۷۸	۲٫۷۴	۳٫۱۰	۲٫۶۹	۲٫۵۸
۱۵	بهره‌برداری نکردن از روش‌های جامع تربیتی	۲٫۷۴	۳٫۲۶	۳٫۲۱	۲٫۳۶	۲٫۸۹
۱۶	بی‌توجهی به رعایت عفاف در مدارس پسرانه و تأکید افراطی بر حجاب زنان	۱٫۷۴	۲٫۸۳	۲٫۷۸	۱٫۹۸	۲٫۳۳
۱۷	سفارش به حجاب، صرفاً در موقعیت‌های تبلیغاتی در محیط آموزشی که زمینه تظاهر را فراهم می‌آورد	۲٫۳۰	۲٫۸۳	۳٫۴۳	۲٫۸۸	۲٫۸۶
۱۸	کاربردی نکردن آموزه‌ها و روش‌های تربیتی و اکتفا به بیان کلیات	۳٫۱۲	۳٫۱۲	۳٫۴۰	۳٫۰۹	۳٫۱۸

جدول ۳: نظرات متخصصان در آسیب‌های تربیت عفاف در حوزه رسانه

ردیف	گویه	میانگین کودک	میانگین نوجوان	میانگین جوان	میانگین بزرگسال	میانگین کل
۱	انذار نامناسب	۲٫۸۵	۲٫۹۳	۳٫۲۶	۲٫۵۲	۲٫۷۵
۲	سیاسی کردن حجاب	۱٫۲۴	۲٫۲۶	۳٫۲۱	۲٫۸۸	۲٫۴۰
۳	عدم توجه به ابعاد فرهنگی لباس و قومیت‌ها	۱٫۷۶	۲٫۲۱	۲٫۶۴	۲٫۶۴	۲٫۳۱
۴	عدم لحاظ حدود و کیفیت پوشش در موقعیت‌های مختلف اجتماعی	۱٫۷۴	۲٫۴۵	۲٫۶۲	۲٫۴۰	۲٫۳۰
۵	بی‌توجهی به مراحل تحول در تبلیغ و آموزش حجاب	۲٫۵	۲٫۹۳	۲٫۸۰	۲٫۳۸	۲٫۹۰
۶	عدم لحاظ ویژگی‌های روان‌شناختی زن مانند حس جلوه‌گری	۱٫۷۸	۲٫۶۲	۲٫۸۱	۲٫۵۲	۲٫۴۳
۷	نمایش زنان با حجاب اسلامی با وجود نقش ناپه‌نجان اخلاقی او	۲٫۵۲	۳٫۲۱	۳٫۶۷	۳٫۲۴	۳٫۱۶
۸	حرکت‌های دفعی، مقطعی و مناسبی	۱٫۶۲	۲٫۶۷	۲٫۷۸	۲٫۶۷	۲٫۴۳
۹	عامل نبودن برخی از هنرمندان در نقش محجبه	۲٫۶۹	۳٫۱۲	۳٫۴۸	۲٫۸۱	۳٫۰۲
۱۰	نگاه به حجاب جدای از سایر موضوعات دینی	۲٫۰۷	۳٫۱۲	۳٫۶۲	۳٫۳۶	۳٫۰۴
۱۱	عدم توجه به دیدگاه‌های مخالف در قالب مناظره و گفتگوی علمی دوطرفه	۱٫۳۱	۲٫۱۲	۳٫۰۷	۳٫۳۳	۲٫۴۶
۱۲	فقدان راهبرد بلندمدت برای آموزش و ترویج عفاف	۲٫۷۸	۳٫۲۶	۳٫۵۰	۳٫۳۳	۲٫۳۴
۱۳	سوء استفاده برخی افراد فاسد از مظاهر حجاب	۱٫۳۸	۲٫۴۳	۲٫۸۱	۲٫۶۲	۲٫۳۱
۱۴	بی‌توجهی به عفاف در مردان و تأکید افراطی بر زنان	۱٫۳۶	۲٫۳۶	۲٫۸۳	۲٫۶۹	۲٫۳۱

جدول ۴: نظرات متخصصان در آسیب‌های تربیت عفاف در بعد سیاست و حکومت‌داری

میانگین کل	میانگین بزرگسال	میانگین جوان	میانگین نوجوان	میانگین کودک	گویه	
۲٫۰۷	۲٫۶۹	۲٫۵۵	۱٫۱۰	۱٫۰۷	به روز نبودن قوانین و مقررات و عدم تناسب بین جرم و مجازات در برخورد با بدحجابی	۱
۲٫۶۵	۳٫۳۶	۳٫۴۰	۲٫۵۹	۱٫۲۶	ضعف یا عدم عمل به قوانین از سوی دستگاه‌ها	۲
۲٫۴۹	۳٫۲۶	۳٫۱۴	۲٫۵۲	۱٫۰۵	عملکرد نادرست و سلیقه‌ای مسئولان در اجرای قانون	۳
۲٫۶۶	۳٫۰۵	۳٫۱۲	۲٫۶۲	۱٫۸۶	اختلافات نظری در حدود و شیوه ترویج عفاف و حجاب	۴
۲٫۶۰	۲٫۹۸	۳٫۰۰	۲٫۵۵	۱٫۸۸	عدم تعیین متولیان اصلی و تابع	۵
۲٫۴۵	۳٫۲۴	۳٫۰۲	۲٫۳۱	۱٫۱۲	سیاسی کردن حجاب	۶
۲٫۳۷	۳٫۰۹	۳٫۰۷	۲٫۰۷	۱٫۲۶	دخالت‌های نامناسب حقوقی و قانونی	۷
۲٫۱۵	۲٫۴۵	۲٫۵۷	۲٫۰۲	۱٫۵۶	عدم لحاظ حدود و کیفیت پوشش در موقعیت‌های مختلف اجتماعی	۸
۲٫۲۳	۲٫۵۹	۲٫۷۶	۲٫۲۱	۱٫۳۶	مطلق‌نگری در حجاب مثل کمترین بدحجابی را معادل بی‌حجابی گرفتن	۹
۲٫۶۶	۳٫۰۷	۳٫۱۴	۲٫۵۹	۱٫۸۳	حرکت‌های دفعی، مقطعی و مناسبتی	۱۰
۲٫۷۸	۲٫۹۳	۳٫۱۴	۲٫۹۳	۲٫۱۲	عامل نبودن برخی از مسئولان و مجریان یا خانواده‌های آنان به حجاب	۱۱
۲٫۶۲	۳٫۰۲	۳٫۰۵	۲٫۶۸	۱٫۷۸	تأکید زیاد بر ظواهر و کم‌توجهی به ابعاد درونی حجاب	۱۲

جدول ۵: خلاصه نظرات متخصصان در آسیب‌های تربیت عفاف در اماکن و مراسم مذهبی

میانگین کل	میانگین بزرگسال	میانگین جوان	میانگین نوجوان	میانگین کودک	گویه	
۲٫۵۸	۳٫۰۲	۲٫۶۴	۲٫۶۴	۲٫۰۲	انذار نامناسب توسط متولیان مراسم و اماکن دینی	۱
۲٫۴۶	۲٫۴۸	۲٫۳۶	۲٫۲۶	۱٫۷۴	بی‌توجهی به شرایط افراد حاضر در اماکن و موقعیت‌های مذهبی	۲
۲٫۵۳	۲٫۰۹	۳٫۰۹	۲٫۹۸	۱٫۹۸	فراهم نکردن شرایط آموزش و اقتناع اندیشه در فرصت‌های موجود	۳
۲٫۴۴	۲٫۶۴	۲٫۶۷	۲٫۵۵	۱٫۹۳	مطلق‌نگری در حجاب (تلقی کمترین بدحجابی معادل بی‌حجابی)	۴
۲٫۵۶	۲٫۵۵	۲٫۸۱	۲٫۷۸	۲٫۱۲	عجله برای سریع به نتیجه رساندن مخاطب در یک مرحله	۵

بحث و نتیجه‌گیری

متخصصان ضمن تأیید بررسی آسیب‌ها در پنج محور یادشده، تأثیر گویه‌های خانواده و محیط‌های آموزشی، را بالاتر از سایر حوزه‌ها ارزیابی کردند. نظرات متخصصان در آسیب‌های ترویج حجاب و عفاف در خانواده به شرح زیر است:

- «عدم شناخت و عدم بهره‌برداری از تنوع روشی برای نفوذ و نهادینه کردن حجاب» مؤثرترین گویه این بخش، در همه گروه‌های سنی است؛
- گزاره‌های مهم در کودکان:

۱. برداشت نادرست از آزادی فرزند و رها کردن تربیت او؛
 ۲. نداشتن مدل تربیتی والدین برای نهادینه کردن حجاب در فرزندان؛
 ۳. عدم تربیت صحیح فرزندان بزرگ‌تر و در نتیجه تأثیر الگوی منفی آنها در دیگر فرزندان؛
 ۴. عدم اهتمام والدین در محدودسازی ارتباط با خویشان و دوستانی که به رعایت حجاب مقید نیستند؛
- گزاره‌های مهم در نوجوانان موارد ۱، ۲ و موارد زیر است:
 ۱. تحمیل پوشش نامناسب به فرزندان در دوران کودکی و در دسترس قرار دادن عوامل فساد اخلاقی مانند تلفن همراه، اینترنت و تبلت برای نوجوان و جوان؛
 ۲. عدم رعایت مسائل مربوط به تربیت جنسی در فرزند مانند پوشش نامناسب والدین در خانه، جدا نکردن بستر خواب فرزندان دختر و پسر و...؛
 - گزاره‌های مهم در جوانان، مورد اول نوجوانان و موارد زیر است:
 ۱. استفاده از اجبار و خشونت و برخورد نامناسب والدین در توصیه به مسائل دینی و انجام تکالیف شرعی از جمله حجاب؛
 ۲. عدم شناخت و عدم بهره‌برداری از تنوع روشی برای نفوذ و نهادینه کردن حجاب؛
 - گویه‌های این بخش فقط رابطه فرزندان با والدین، عمه و خاله و پدر بزرگ و مادر بزرگ و اقوام را مد نظر قرار داده است؛ ولی می‌توان اثر رابطه همسران (به خصوص شوهر بر زن) در مقطع سنی جوانی و بزرگسالی سنجیده شود. شاید سنجش اثر والدین بر افراد بزرگسال اهمیت چندانی نداشته باشد و گروه اصلی مؤثر بر بزرگسالان عموماً والدین نباشند؛ با این حال کارشناسان در پرسشنامه گزاره‌های مهم در بزرگسالان را به ترتیب زیر دانسته‌اند که اثر درازمدت والدین و اطرافیان در افراد را تأیید می‌کند:
 ۱. عدم لحاظ ویژگی‌های روان‌شناختی دختران و عدم بسترسازی جهت تأمین نیازهای روانی او مانند حس خودنمایی و نیاز به مونس و همدم؛
 ۲. عدم توجه والدین به اثرگذاری اختلافات خانوادگی و مشکلات اخلاقی والدین بر تربیت دینی فرزندان از جمله حجاب؛
- از محدودیت‌های این پرسشنامه، رعایت ملاحظات متعدد توسط پاسخ‌دهنده است. از جمله اینکه گاه تفاوت در نمره‌دهی را در بین گروه سنین لحاظ می‌کند و اینکه هر گویه به چه میزان بر انواع مخاطبان اثر دارد و گاه بین گویه‌ها و میزان اثر آن مقایسه صورت می‌گیرد و این باعث می‌شود مثلاً بالاترین سهم تأثیر گویه «عامل نبودن به حجاب و لوازم آن در برخی از متولیان آموزشی»

- برای کودک در نظر گرفته شود؛ در حالی که احتمالاً کارشناسان در هنگام نمره‌دهی به این گویه به سهم تأثیر آن بر انواع مخاطب توجه داشته‌اند نه تأثیرگذارترین گویه بین عوامل.
- کارشناسان «عدم اهتمام به آموزش فلسفه و حکمت حجاب» را مؤثرترین گویه این بخش در گروه‌های بزرگسال تا کودک دانسته‌اند و گزاره‌های مهم در کودکان را به این ترتیب دانسته‌اند:
 ۱. عامل نبودن به حجاب و لوازم آن در برخی از متولیان آموزشی؛
 ۲. کاربردی نکردن آموزه‌ها و روش‌های تربیتی و اکتفا به بیان کلیات؛
 ۳. بهره‌برداری نکردن از روش‌های جامع آموزشی و تربیتی؛
 - پراکندگی نظرات اساتید در گویه «عدم اقتناع‌سازی دانش‌پژوهان برای پذیرش قواعد عفاف و حجاب در محیط آموزشی» در بیش از ۳ نمره نشان از تفاوت نگاه اساتید در این بخش برای کودک دارد:
 - گزاره‌های مهم در نوجوانان افزون بر مورد ۱، موارد زیر بود:
 ۱. عدم اهتمام به آموزش فلسفه و حکمت حجاب؛
 ۲. عدم لحاظ ویژگی‌های روان‌شناختی زن مانند حس جلوه‌گری؛
 - گزاره‌های مهم در جوانان موارد ۱، ۲ نوجوانان و این مورد است:

استفاده از اجبار و خشونت، در محیط‌های آموزشی به منظور رعایت حجاب اسلامی؛
 - کارشناسان گویه‌های زیر را با اهمیت بالا توصیف کرده‌اند:
 ۱. استفاده از اجبار و خشونت در محیط‌های آموزشی به منظور رعایت حجاب اسلامی؛
 ۲. عدم اقتناع‌سازی دانش‌پژوهان برای پذیرش قواعد عفاف و حجاب در محیط آموزشی؛
 ۳. سفارش به حجاب، صرفاً در موقعیت‌های تبلیغاتی و نمایشی محیط آموزشی؛
 ۴. کاربردی نکردن آموزه‌ها و روش‌های تربیتی و اکتفا به بیان کلیات؛
 - گویه «عدم لحاظ حدود و کیفیت پوشش در شرایط و موقعیت‌های مختلف آموزشی» در میان سنین مختلف در سن نوجوان امتیاز بیشتری دارد. این امر می‌تواند به دلیل مقتضای سن نوجوانی و بیداری حس خودنمایی و اهمیت بیشتر آن در دوران نوجوانی باشد؛
 - شاید کارشناسان در گویه «عدم آگاهی از شبکه مفهومی عفاف که شامل مدیریت نگاه و رعایت حیا در گفتار و رفتار می‌باشد» موقعیت‌های منبر و رسانه ملی را هم از موقعیت‌های آموزشی تلقی کرده‌اند و برای بزرگسال سهم آموزشی زیادی در آن قائل شده‌اند؛
 - شاید برخی کارشناسان در گویه «مطلق‌نگری و مقوله‌بندی نکردن در تعامل با مراتب بدحجابی و اجرای تنبیه یکسان برای تمامی مراتب بدحجابی» مقاومت جوانان به دلیل احساس بی‌عدالتی را در نظر نگرفته‌اند و سهم تأثیر آن را کم دانسته‌اند؛

- واریانس بالای نظرات کارشناسان در گویه «بی توجهی به رعایت عفاف در مدارس پسرانه و تأکید افراطی بر زنان و انحصارگرایی در فلسفه حجاب و جدابیت جنسی زن» مشخص می‌کند که برخی از اساتید سهم تأثیر بیشتری برای آن قائلند؛
- کارشناسان در گویه «کاربرد نکردن آموزه‌ها و روش‌های تربیتی و اکتفا به بیان کلیات» محیط‌های آموزشی را گسترده‌تر از مدرسه و دانشگاه در نظر گرفته‌اند و برای بزرگسالان میانگین بیش از ۳ نمره تأثیر نظر داده‌اند؛
- نظرات کارشناسان در آسیب‌شناسی روش‌های ترویج حجاب و عفاف در بعد هنر و رسانه به شرح زیر است:
- «نمایش زنان با حجاب اسلامی با وجود نقش نابهنجار اخلاقی او» مؤثرترین گویه این بخش در تمامی گروه‌های سنی است. استفاده از سبک ظاهری زنان متدین برای زن با نقش بد، به ناهماهنگی ظاهر با باطن، سردرگمی مخاطب و ابهام نمادهای اثرگذاری الگویی منجر خواهد شد؛
- گزاره‌های مهم در کودک، نوجوان و جوان:
 ۱. فقدان راهبرد بلندمدت برای تبلیغ و ترویج عفاف و حجاب؛
 ۲. عامل نبودن برخی از هنرمندان در نقش محجبه؛
 ۳. نمایش زنان با حجاب اسلامی با وجود نقش نابهنجار اخلاقی او؛
 ۴. جزیره‌ای و جدای از بقیه موضوعات دینی به حجاب نگاه کردن؛
- گزاره‌های مهم در بزرگسال موارد ۱، ۳، ۴ و این مورد است:

عدم توجه به دیدگاه‌های مخالف در قالب مناظره و گفتگوی علمی دوطرفه؛
- در توضیح گویه «بی توجهی به مراحل تحول در تبلیغ و آموزش حجاب» و سهم تأثیر آن نسبت به بقیه مقاطع سنی باید گفت به دلیل نمایش موارد اختلاط با نامحرم و درد و دل‌های دخترها و پسرها با هم و عدم حجاب در شخصیت‌های دختر برنامه‌های کودک داخلی و خارجی در رسانه ملی، با توجه به تأثیرپذیری زیاد کودک و نوجوان، طی مسیر رشد عفاف دشوار خواهد شد؛
- بالا دانستن سهم تأثیر منفی گویه «سیاسی کردن حجاب» در جوانان و پراکندگی نظرات کارشناسان نشان می‌دهد که برخی بالاترین سهم را به این گویه می‌دهند و شاید این نظرات مختلف به دلیل بهره‌گیری سیاستمداران از مسئله حجاب در موقعیت‌های مختلفی مانند انتخابات باشد؛
- نمره پایین کارشناسان به گویه «انذار نامناسب» در مقطع سنی بزرگسال، شاید به علت تثبیت شخصیت آنها و اثر کمتر انذار نامناسب در رفتار آنهاست به خلاف جوانان که این امر در آنان اثر منفی بیشتری دارد؛

- نظرات کارشناسان در آسیب‌شناسی روش‌های ترویج حجاب و عفاف در بعد سیاست و حکومت‌داری به شرح زیر است:
 - «عامل نبودن برخی از مسئولان و خانواده‌هایشان و مجریان قانون» مؤثرترین گویه این بخش است. این موضوع نشان می‌دهد وقتی سیاستمداری برای جلب توجه مردم حرفی می‌زند ولی به آن عمل نمی‌کند به دلیل اسلامی بودن کشور همه چیز به نام دین تمام می‌شود و بر ذهن افراد اثر منفی می‌گذارد و اعتماد اقشار مختلف ضعیف می‌شود؛
 - تقریباً همه گویه‌های این بخش، اثر کمی برای کودک و نوجوان دارد و فقط گویه «عامل نبودن برخی از مسئولین و خانواده‌هایشان و مجریان قانون» سهم تأثیر متوسط دارد؛
 - گزاره‌های مهم در جوان و بزرگسال:
 ۱. ضعف و عدم عمل به قوانین از سوی دستگاه‌ها؛
 ۲. حرکت‌های دفعی و مقطعی و مناسبتی؛
 ۳. اختلافات نظری در حدود عفاف و حجاب و شیوه ترویج آنها؛
 ۴. عامل نبودن برخی از مسئولان و خانواده‌هایشان و مجریان قانون؛
- کارشناسان در آسیب‌شناسی روش‌های ترویج حجاب و عفاف در اماکن و مراسم مذهبی «انذار نامناسب توسط متولیان اماکن مقدسه» را مؤثرترین گویه این بخش، در همه گروه‌های سنی اعلام کردند و هیچ کدام از گویه‌ها در این موقعیت به عدد ۳ که سهم تأثیر مناسب را دارد نرسید مگر در جوان و آن هم گویه یادشده است.
- در نتیجه، متخصصان ضمن تأیید بررسی آسیب‌های تربیت عفاف در پنج حوزه خانواده، محیط‌های آموزشی، رسانه‌ها، نهادهای حکومت و موقعیت‌های مذهبی، تأثیر گویه‌های خانواده و محیط‌های آموزشی، را بالاتر از سایر حوزه‌ها ارزیابی کردند.

منابع

- * قرآن مجید، ترجمه: محمد مهدی فولادوند (۱۳۷۳)، تهران: دارالقرآن الکریم.
- * نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، جمع آوری شریف الرضی، ترجمه: عبدالمحمد آیتی (۱۳۷۸)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بنیاد نهج البلاغه.
۱. احمدی، محمدرضا (۱۳۸۶)، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 ۲. اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۷ الف)، گوهر عفاف، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
 ۳. _____ (۱۳۸۷ ب)، هست‌ها و باید‌های فرهنگ حجاب و عفاف در حجاب مسئولیت و اختیارات دولت اسلامی، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، ج ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۴. افشار، اباذر (۱۳۹۳)، رسانه ملی و نهادینه‌سازی عفاف و حجاب، قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
 ۵. پورفرد، مسعود (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی در زمینه فرهنگ حجاب در حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، ج ۲، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۶. جاوید، محمدجواد (۱۳۸۹)، تأملی بر مفهوم حجاب در ادیان الهی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۷. شریک، نورالدین (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی پوشش دینی در صدا و سیما در (گفتارهایی در باب حجاب)، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۸. داوودی، محمد و سیدعلی حسینی‌زاده (۱۳۸۹)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۹. راوندی، سیدفضل‌الله (بی‌تا)، النوادر للراوندی، قم: دارالکتاب.
 ۱۰. سازمان تبلیغات (۱۳۹۳)، پوشش و حجاب در ایران، موج اول، معاونت پژوهشی، قم: انتشار محدود داخلی.
 ۱۱. سیدی تبار، اعظم السادات (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل علل فردی خانوادگی و اجتماعی گسترش بدحجابی»، ج ۲، حجاب مسئولیت اختیارات دولت، فصلنامه جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، ش ۴۹ و ۵۰.

۱۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، آیین برنامه‌سازی درباره فرهنگ عفاف و حجاب، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۳. طیب‌زاده، زهره (۱۳۸۷)، «آسیب‌ها و موانع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب»، مجموعه مقالات حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، ج ۳، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. طیب، مهدی (۱۳۸۷)، حجاب و حقوق زن در ترازوی اندیشه و ایمان، چاپ اول، تهران: سفینه.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. غلامی، علی (۱۳۹۱)، مسئله حجاب در جمهوری اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۱۷. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۹۰)، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، چاپ پنجم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. قائمی، علی (۱۳۵۸)، پرورش مذهبی کودک، قم: رشاد.
۱۹. قلی‌پور، آرین (زمستان ۱۳۸۶)، «نقش دولت در نهادینه‌سازی حجاب»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۸، ص ۹-۳۶.
۲۰. کاسمی، نصرت‌الله (۱۳۸۵)، آنچه یک جوان باید بداند، تهران: بیتا.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. محبوبی‌منش، حسین (زمستان ۱۳۸۶)، «تحلیل اجتماعی مسئله حجاب»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۸، ص ۸۸-۱۳۴.
۲۳. محتشمی، بتول (۱۳۸۷)، «طرح‌های سامان‌دهی حجاب و عفاف» در حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، ج ۳، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ سی‌ام، قم: صدرا.
۲۵. (۱۳۹۰)، مسئله حجاب، تهران و قم: صدرا.
۲۶. (۱۳۶۷)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران و قم: صدرا.
۲۷. نظیفی، عباس؛ غلامرضا جمشیدیها و توران کرمی (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی فلسفه قانونی «حجاب»، تهران: نشر دادگستر.